

دکتر دیوید ترنر، انجیل یوحنا، جلسه ۱۲

یوحنا ۱: ۱۰-۴۲

دیوید ترنر و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

این دکتر دیوید ترنر در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه ۱۲، دوران پر تنش در اورشلیم، چوپان خوب، یوحنا ۱: ۱۰-۴۲ است.

سلام، در این ویدیو ما در حال مطالعه یوحنا ۱۰ هستیم، در ادامه مطالعه‌ای که به تازگی در مورد شفای مرد نابینا توسط عیسی مسیح انجام دادیم، و به فصل ۱۰ که معمولاً به عنوان گفتمان چوپان خوب شناخته می‌شود، نگاهی می‌اندازیم.

بنابراین، همانطور که معمولاً انجام داده‌ایم، فقط می‌خواهیم کمی جریان روایت را دنبال کنیم و به نحوه‌ی پیشروی داستان نگاهی بیندازیم. سپس برمی‌گردیم و برخی از نکات کلیدی داستان را دوباره بررسی می‌کنیم. بنابراین، همانطور که به فصل دهم یوحنا نگاه می‌کنیم، همچنان به چیزی نگاه می‌کنیم که محققان آن را چرخه‌ی ضیافت در انجیل یوحنا نامیده‌اند.

این احتمالاً آخرین فصلی است که به آن می‌پردازد. و ما همچنان از روایت قبلی عید خیمه‌ها، عید خیمه‌ها سوکوت، شروع می‌کنیم. و بخش اول فصل، حدس می‌زنم از آیات ۱ تا ۲۱، فقط بحثی است که بین عیسی و رهبران یهود در جریان است و او اساساً هنوز در حال تعلیم دادن آنها است.

بنابراین، ما این الگوهای متناوب از عیسی را داریم که نوعی گفتمان تمثیلی ارائه می‌دهد، همانطور که در نهایت در این سخنرانی خواهیم دید، او دقیقاً چه کاری انجام می‌داد، آیا یک مثل، یک استعاره یا یک تمثیل می‌توانیم در مورد این سوال بحث کنیم و در لحظات آینده کمی در این مورد صحبت خواهیم کرد. اما او به صورت مجازی از خودش صحبت می‌کند و از استعاره برای توصیف خود استفاده می‌کند.

و او ابتدا در آیات ۱ تا ۵ از دزد، چوپان، گوسفند و غریبه صحبت می‌کند. سپس مخاطبانش، آیه ۶، کمی در مورد آن نکته ویرایشی می‌گویند، آنها متوجه نشدند. آنها از آنچه او تعلیم می‌داد پیروی نکردند. سپس او حتی به شکلی مفصل‌تر، در مورد چوپان وفادار صحبت می‌کند و چوپان وفادار را با کارگر مزدور مقایسه می‌کند.

در تمام این مطالب، این درک کلی وجود دارد که عیسی خود را به عنوان چوپان خوب توصیف می‌کند، و تمام اصطلاحات تحقیق‌آمیز برای دزد و راهزن و مزدور، او و نگرانی واقعی او برای اسرائیل را با رهبران مذهبی که با آنها بحث کرده است، در تضاد قرار می‌دهد. او آنها را به عنوان ویژگی‌های منفی در تمثیل مطرح می‌کند. بنابراین، نتیجه بخش دوم آن، جایی که او خود را به عنوان چوپان وفادار در مقابل رهبران مذهبی به عنوان مزدور قرار می‌دهد، نتیجه همه اینها در آیات ۱۹ و ۲۰، بار دیگر، همانطور که از زمان ورود عیسی به اورشلیم در فصل ۷ دیده‌ایم، تفرقه در میان مخاطبان است.

بنابراین، یهودیانی که این سخنان را شنیدند، طبق گفته ۱۹ و ۱۰، دوباره دچار اختلاف شدند. بسیاری از آنها گفتند که او دیوزده و دیوانه است. چرا به او گوش دهیم؟ بنابراین، برخی از آنها کاملاً با عیسی مخالف نبودند.

آنها فقط فکر می‌کردند که او مزخرف می‌گوید. آنها اصلاً نمی‌توانستند وارد این بحث شوند. بنابراین، گفتند که اساساً او دیوانه است.

در آیه ۲۱ آمده است که اینها گفته‌های مردی که دیوزده است، نیست. آیا دیو می‌تواند چشمان نابینایان را باز کند؟ بنابراین در اینجا در فصل ۱۰ پیوندی به فصل ۹ داریم. و اگر قبلاً متوجه نشده بودیم، متوجه می‌شویم که با شروع فصل ۱، فصل ۱۰ از آیه ۱ شروع می‌شود، هیچ جمله انتقالی واقعی وجود ندارد که نشان دهد روز بعد یا هفته بعد یا بعد از آن یا چیزی شبیه به آن، مستقیماً از فصل ۹ به فصل ۱۰ می‌رسیم و بنابراین، اساساً عیسی در ۱۰.۱ همان چیزی را که در ۹.۴۱ در مورد نابینایی فریسیان گفته بود، به همان فریسیان می‌گوید.

بنابراین، این فصل با نکته‌ای نسبتاً منفی آغاز می‌شود، درست از فصل ۹. و اگر قبلاً متوجه نشده‌اید، نظر برخی از مخاطبان عیسی در فصل ۱۰، آیه ۲۱، مبنی بر اینکه آیا یک مرد دیوزده می‌تواند چشمان نابینایان را باز کند؟ آنها می‌گفتند، البته که نه، این یک سوال بلاغی است، اما انتظار پاسخ منفی به آن را داشتند. بنابراین، این بخش اول فصل است زیرا واقعاً هر آنچه را که از فصل ۷ به ترتیب زمانی در مورد بازدید عیسی از اورشلیم در طول عید ابوس خوانده‌ایم، به پایان می‌رساند. ما درست در این مرحله یک تغییر زمانی داریم زیرا در فصل ۱۰ و آیه ۲۲ به ما گفته شده است که سپس عید تقدیس در اورشلیم فرا رسید.

جشن وقف، حنوکا، یا وقف معبد است. حدس می‌زنم می‌توانیم آن را وقف مجدد معبد در دوره بین دو عهد در دهه ۱۶۰ پیش از میلاد بنامیم. آنتیوخوس اپیفانس، پادشاه سلوکی، تلاش کرد تا یهودیان را به زور به عقاید اساساً بت‌پرستانه تغییر مذهب دهد. برخی از یهودیان همراهی کردند، اما حشمو ناپی‌ها، که اغلب مکابیان نامیده می‌شوند، شورش کردند و در نهایت توانستند پادشاهی خود را در مقابل سلسله سلوکی تأسیس کنند.

بنابراین، بخشی از آزار و اذیت یهودیان توسط آنتیوخوس اپیفانس، هتک حرمت معبد بود و او در نهایت حتی طبق گفته مکابیان، خوکی را بر روی محراب قربانی کرد. یوسفوس نیز از این مسائل صحبت می‌کند. بنابراین، هنگامی که قوم یهود توانستند معبد خود را پس بگیرند، معبد را دوباره وقف کردند و افسانه‌ای در مورد حفظ معجزه‌آسای یک ظرف روغن برای مراقبت در تمام مدت وجود دارد تا اینکه روغن خالص‌تری تهیه شود.

بنابراین، آن معجزه، جشن نور و حنوکا، همه از آن دوره زمانی می‌آیند. حنوکا، همانطور که احتمالاً در دوران مدرن می‌دانیم، تعطیلاتی است که معمولاً در اواخر سال حدود دسامبر برگزار می‌شود. سوکوت یک تعطیلات پاییزی است، بنابراین حداقل می‌توان گفت چند ماه، یا به طور کلی، شاید بیشتر، بین زمان بخش اول یوحنا ۱۰ و گذار به ۱۰:۲۲ وجود دارد. در واقع، متن در آخرین کلمات آیه ۲۲ به ما می‌گوید که زمستان بود.

بنابراین، در این بخش دوم فصل، به نظر من سه بحث داغ داریم. یکی از آنها نسبتاً کوتاه است، اما خالی از خشم از سوی مخاطبان نیست. بنابراین، در آیه ۲۳ از باب ۱۰ آمده است که عیسی در حیات معبد بود و در ایوان سلیمان قدم می‌زد.

احتمالاً این مکان در امتداد محوطه حیاط غریبه‌یودیان، یک ایوان، یک رواق، و منطقه‌ای که راهرویی سرپوشیده با ستون‌ها بود، قرار داشته است. همانطور که ممکن است از کتاب اعمال رسولان به یاد داشته باشید، این مکان محل ملاقات مسیحیان اولیه نیز بوده است که اغلب به آن ایوان سلیمان گفته می‌شود. و شاید شما با این اصطلاح، ایوان سلیمان، آشنا بوده باشید.

این روزها کلیساهای زیادی را می‌بینم که خود را کلیسای رواق سلیمان می‌نامند و سعی می‌کنند خود را به عنوان کلیسای پذیرا برای بحث و گفتگو و پذیرای ایده‌های مختلف به تصویر بکشند. بنابراین، همانطور که

عیسی در رواق سلیمان قدم می‌زد، یهودیانی که آنجا بودند دور او جمع شده بودند و می‌گفتند: «تا کی ما را در بلا تکلیفی نگه می‌داری؟» اگر تو مسیح هستی، واضح به ما بگو. بنابراین، آنها اساساً او را به چالش می‌کشند، نه برخلاف افرادی که در یوحنا ۶ گفتند: «اگر واقعاً مسیح هستی، فقط یک نشانه به ما نشان بده.»

و عیسی در اینجا در آیه ۲۵ همانطور که به مخاطبان‌ش در فصل ۶ پاسخ داد، به آنها پاسخ می‌دهد. فکر می‌کنم اتفاق مشابهی در فصل ۸ رخ می‌دهد، با این جمله که «من قبلاً به شما گفته‌ام، به شما گفته‌ام، اما شما باور نکردید. کارهایی که من به نام پدرم انجام می‌دهم، درباره من شهادت می‌دهند.» بنابراین این ما را پنج فصل به عقب می‌برد، به اولین گفتگوی عیسی با رهبران یهودی در اورشلیم، جایی که او درباره شهادت‌ها با او صحبت می‌کند.

کارهایی که به نام پدرم انجام می‌دهم، درباره من شهادت می‌دهند، اما شما باور نمی‌کنید، زیرا گوسفندان من نیستید، و این ما را به بخش اول این سخنرانی برمی‌گرداند. بنابراین ما دوباره در اینجا، در عید حانوکا، خاطره‌ای از آنچه عیسی اخیراً چند ماه قبل در عید خیمه‌ها تعلیم داده بود، داریم. این اشاره‌ای به سخنرانی چوپان خوب است.

بنابراین، عیسی در آیه ۲۶ به این موضوع می‌پردازد و در آیه ۲۷ ادامه می‌دهد: «گوسفندان من به صدای من گوش می‌دهند. من آنها را می‌شناسم و آنها از من پیروی می‌کنند. من به آنها حیات جاودان می‌دهم.»

آنها هرگز هلاک نخواهند شد. هیچ کس آنها را از دست من نخواهد گرفت. پدر من که آنها را به من داده است. است از همه بزرگتر است.

هیچ کس نمی‌تواند آنها را از دست پدر من بگیرد. من و پدر یکی هستیم. بنابراین، این نیمی از اختلاف اولیه عیسی است، و اکنون آنها با برداشتن سنگ برای سنگسار کردن او به این موضوع پاسخ می‌دهند.

ما آشکارا شاهد این اتفاق در انجیل یوحنا بوده‌ایم، و سپس عیسی به آنها می‌گوید، جریان چیست؟ چرا می‌خواهید مرا سنگسار کنید؟ من کارهای نیک زیادی از جانب پدر به شما نشان داده‌ام. شما از من خواسته‌اید که به شما نشان دهم که آیا من مسیح هستم یا نه. من به شما گفته‌ام که چرا هستم.

حالا چرا مرا سنگسار می‌کنید؟ آنها در آیه ۳۳ پاسخ دادند که شما را به خاطر هیچ کار خوبی سنگسار نمی‌کنند، بلکه به این دلیل که شما یک مرد ساده را دارید که ادعا می‌کند خداست. بنابراین، چه از نظر فنی این چیزی باشد که باید کفر بنامیم یا نه، مطمئناً از نظر آنها نوعی تهمت است که عیسی ادعای الوهیت و خدا بودن می‌کند، و بنابراین این یک چیز بسیار منفی برای آنهاست. بنابراین، اختلاف نهایی در این فصل تقریباً از اینجا در آیه ۳۴ آغاز می‌شود.

عیسی در پاسخ به آنها، با استناد به مزمور ۸۲ از خود در برابر کتاب مقدس دفاع می‌کند، که خود مزمور فهم آن را دشوار می‌کند، و استناد عیسی به آن، روش بسیار جالبی برای تفسیر آن ارائه می‌دهد که بعداً ۸۲ در ویدیو در مورد آن صحبت خواهیم کرد، اما نکته اینجا این است که او از خود در برابر کتاب مقدس دفاع می‌کند، و حتی می‌گوید، آیا این در شریعت شما نوشته نشده است؟ پس مرا در این مورد سرزنش نکنید. این چیزی است که شما ادعا می‌کنید به آن اعتقاد دارید. بنابراین، ما با همان چیزی روبرو هستیم که در فصل ۵ داشتیم، زمانی که عیسی با گفتن اینکه شما فکر می‌کنید موسی را درک می‌کنید، اما اینطور نیست زیرا موسی مرا درک می‌کند، بنابراین واقعاً موسی را درک نمی‌کنید، اقتدار آنها را زیر سوال می‌برد.

بنابراین، آنچه او در اینجا در فصل ۱۰، آیه ۳۴ می‌گوید، اگر واقعاً شریعت را درک کرده بودید، من را درک می‌کردید، زیرا انواع کارهایی که من انجام می‌دهم توسط کتاب مقدس پشتیبانی می‌شود و کاری که شما انجام می‌دهید نه. نکته جالب در اینجا در آیه ۳۴ این است که او می‌گوید، آیا این در شریعت شما نوشته نشده است، اما او از مزامیر نقل قول می‌کند. بنابراین بدیهی است که کتاب مقدس عبری به تورات، نویم و کتوبیم تقسیم شده است، اما به یک معنا، تمام تنخ، تورات، نویم، کتوبیم، کل عهد عتیق به عنوان دارای مرجعیت قانونی در نظر گرفته می‌شود، و بنابراین شاید به همین دلیل است که او در اینجا از مزامیر به عنوان شریعت یاد می‌کند.

بنابراین، عیسی اساساً وارد بحث کوچکتر به بزرگتر می‌شود. ما با جزئیات بیشتری به این موضوع خواهیم پرداخت، و او می‌گوید شما این آیه را در مزمور ۸۲ دارید که آشکارا به انسان‌ها یا شاید فرشتگان به عنوان خدایان اشاره می‌کند، پس چرا اگر من بگویم پسر خدا هستم از من عصبانی هستید؟ شما که با آن متن مقدس مشکلی ندارید، چرا با من مشکل دارید؟ بحث از کوچکتر به بزرگتر. بنابراین، در پاسخ به این، در آیه ۳۹ آنها سعی کردند او را دستگیر کنند، اما او از دست آنها فرار کرد.

فکر می‌کنم به همین دلیل است که متوجه شدیم فصل‌های قبلی، مثلاً فصل ۸، به پایان می‌رسند. بنابراین این فقط در حال شکل‌گیری است و رهبران یهودی همچنان تلاش می‌کنند عیسی را دستگیر کنند، و او با قدرت ماوراءالطبیعه یا صرفاً با زیرکی قادر است از کاری که آنها سعی در انجام آن با او دارند، اجتناب کند. بنابراین، وقتی به پیوند فصل ۱۰ با فصل ۹ نگاه می‌کنیم و سعی می‌کنیم جریان زمینه‌ای را در اینجا دنبال کنیم، واقعاً نمی‌فهمیم که چرا باید در اینجا یک فصل جدید داشته باشیم. گاهی اوقات تقسیم‌بندی فصل‌ها در کتاب مقدس به خوبی انجام شده و نشان‌دهنده یک تغییر مسیر، یک موضوع جدید است، و گاهی اوقات آنها به نوعی مانع می‌شوند.

فکر می‌کنم این یکی از موارد اخیر است، متأسفانه، به نوعی مانع می‌شود. چون در فصل ۱۰ ما فقط ادامه‌ی گفتگوی عیسی با فریسیان در فصل ۹ را داریم، بنابراین احتمالاً باید فصل ۱۰، آیه ۱ را بخوانیم، اگر بخواهید، به عنوان فصل ۹، آیه ۴۲، اما در فصل ۹ آیه وجود ندارد، فقط ۴۱ آیه وجود دارد. وقتی این گفتمان را با در نظر گرفتن این موضوع و در این زمینه می‌خوانیم، باید اذعان کنیم که این یک چیز خیلی گرم و مبهم با یک تصویر خوب نیست، شاید از یک بره کوچک و یک کودک کوچک که آن را در آغوش گرفته یا چیزی شبیه به آن.

همه اینها خوب و عالی است، و ما مطمئناً از توجه و مراقبت شبانی خداوند نسبت به ما به عنوان گوسفندان سیاسی‌گزاریم. ما از چگونگی نفوذ این مضمون در کتاب مقدس در متونی مانند مزمور ۲۳ و بسیاری دیگر آگاه هستیم. متأسفانه، در جریان روایت یوحنا، این یک متن گرم و مبهم نیست، بلکه متنی داغ و ناهموار است، یا شاید بهتر باشد بگوییم متنی سرد و ناهموار است.

زیرا متأسفانه عیسی در اینجا فریسیان را در آغوش نمی‌گیرد. او آنها را کنار می‌زند زیرا آنها آنچه را که او می‌گوید نمی‌پذیرند. بنابراین، گفتمان چوپان خوب در اینجا نه برای ستایش وفاداری شگفت‌انگیز خدا و مراقبت دلسوزانه او از گوسفندان، بلکه برای متهم کردن رهبران مذهبی به این است که آن نوع چوپانانی نیستند که باید برای قوم خدا باشند.

بنابراین، این بیشتر یک انتقاد نبوی از رهبران مذهبی اسرائیل است تا یک موعظه‌ی شبانی یا متنی شبانی برای تسلی دادن به قوم خدا. این بدان معنا نیست که وقتی به این متن در متن اصلی آن نگاه می‌کنیم، نمی‌توانیم، تسلی زیادی در آن پیدا کنیم. مطمئناً می‌توانیم، اما باید آن را با شورش غم‌انگیز رهبران مذهبی علیه کلام، آموزه‌ها و اعمال عیسی در اینجا متعادل کنیم.

توجه داشته باشید که این متن از بسیاری جهات بسیار غم‌انگیز است، با وجود شادی‌ای که می‌توانیم هنگام به کار بردن آن در مورد خودمان به عنوان قوم خدا پیدا کنیم. بنابراین، این متن از بسیاری جهات یک متن منفی است. نکته دیگری که باید در مورد این متن در اینجا به آن فکر کنیم این است که چگونه ممکن است به فصل ۹ مربوط شود. اگر به مرد نابینایی در فصل ۹ فکر کنیم که عیسی او را شفا داد و سپس به شناخت کامل‌تری از خود هدایت کرد، و سپس به این مرد در فصل ۹ که رهبران مذهبی با او بدرفتاری کردند و از کنیسه بیرونش انداختند، نمی‌توانیم او را به عنوان یکی از گوسفندانی که فصل ۱۰ در مورد آنها صحبت می‌کند، درک نکنیم، کسی که چوپانان دروغین، مزدوران، دزدان و راهزنان با او به خوبی رفتار نکرده‌اند.

بنابراین، ما اینجا گفتیم که مرد نابینایی که اکنون بینا شده است، نمونه‌ای از گوسفندی است که توسط مزدوران هنگام آمدن دزدان رها شده است و اکنون عیسی می‌خواهد او را بگیرد و به گله خود بیاورد و هیچ کس نمی‌تواند او را از دست عیسی و پدرش بگیرد.

نکته بعدی که می‌خواهیم بعد از تفکر در مورد ارتباط محتوایی یوحنا ۱۰ به آن فکر کنیم این است که عیسی با کل این گفتمان که ما آن را چوپان خوب می‌نامیم چه می‌کند؟ این چه نوع ابزار ادبی است؟ این مطالب چه ژانری دارند؟ بنابراین، در مطالعات عهد جدید بحث‌های زیادی در مورد اینکه آیا انجیل یوحنا در خود تمثیل دارد یا خیر، وجود دارد. بسیاری از مردم با اطمینان می‌گویند که یکی از تفاوت‌های بین سنت سینوپتیک و سنت یوحنا این است که یوحنا شامل تمثیل نیست، در حالی که انجیل‌های سینوپتیک متی، مرقس و لوقا مملو از تمثیل هستند.

خب، اینجا در یوحنا ۱۰ چه اتفاقی دارد می‌افتد؟ می‌توانیم در کنار این، یوحنا ۱۵، تمثیل تاک حقیقی که عیسی در آنجا دارد را هم بیاوریم. خب، آیا این یک مَثَل است یا نه؟ چطور می‌توانیم این را با توجه به مَثَل‌های هم‌نوا درک کنیم؟ خب، فقط با نگاه به بخش اول آن، به نظر می‌رسد که چیزی که داریم ۱۰، ۱ تا مَثَل، استعاره یا هر اصطلاحی که می‌خواهید برای آن استفاده کنید، خواهد بود. سپس عیسی چیزی شبیه ۵، به یک دارد، ویراستار اساساً در آیه ۶ کمی در مورد آن توضیح می‌دهد، و سپس عیسی تفسیری از آنچه که در آیه ۷ و بعد از آن گفته است، ارائه می‌دهد.

بنابراین، وقتی چیزی شبیه به این را در انجیل‌های هم‌نوا می‌یابیم، وقتی تمثیل داریم، اغلب با این جمله‌ی عیسی شروع می‌شوند که پادشاهی آسمان نیز مانند یک راهبه خواهد بود، یا پادشاهی آسمان مانند آن است، اغلب پس از بیان یک تمثیل، عیسی چیزی با این مضمون می‌گوید، درست مانند این، پس مانند آن. بنابراین او در حال مقایسه است، یک قیاس گسترده بین عناصر موجود در تمثیل و عناصری که به آنها اشاره می‌کنند.

شاید با این ضرب‌المثل قدیمی آشنا باشید که می‌گوید یک مَثَل، داستانی زمینی با معنایی آسمانی است. به نظر من، حقیقت زیادی در این حرف نهفته است و می‌توان از آن کمک زیادی گرفت. ما چنین زبانی را در یوحنا ۱۰ نداریم.

عیسی هیچ چیزی در مورد تشبیه پادشاهی آسمان به چیزی نمی‌گوید، اما انگار که او این کار را کرده است زیرا ممکن است چیزی تقریباً مشابه آنچه عیسی گفته است، در اینجا وجود داشته باشد، رابطه من با شما و رابطه من با اسرائیل مانند رابطه چوپان با گوسفندان است. و او ممکن است چیزی شبیه به رهبری فریسیان اسرائیل و کاهنان اعظم مانند مزدوران، مانند دزدان باشند. و او ممکن است این را به این شکل بیان کرده باشد.

بنابراین، اگرچه ما همان جلوه‌های بیرونی را که در انجیل‌های هم‌نوا برای آنچه در آنجا به ما گفته می‌شود یعنی تمثیل‌ها، نمی‌یابیم، اما با استفاده از این نوع زبان، مقایسه‌ای گسترده‌تر انجام می‌دهیم، زیرا ما به عنوان

انسان اینگونه فکر می‌کنیم. ما به چیزهای ملموس فکر می‌کنیم تا آنچه را که فکر می‌کنیم با چیزهای انتزاعی نشان دهیم. ما به عنوان موجوداتی محدود، چنین افرادی هستیم.

ما نمی‌توانیم جلوی خودمان را بگیریم و این کار را نکنیم، بنابراین این چیزی است که ما در مورد ارتباطات انسانی از آن استقبال می‌کنیم. بنابراین، کلمه‌ای که اینجا در انجیل یوحنا برای توصیف این استعاره در فصل آیه ۶ استفاده شده است، کلمه پارویمیا است. کلمه پارویمیا، البته، کلمه‌ای متفاوت از کلمه‌ای است، ۱۰، که در تمثیل انجیل‌های هم‌نوا استفاده شده است، که در یونانی به معنی «مَثَل» است.

اصطلاح عهد عتیق که گاهی برای این نوع گفتمان استفاده می‌شود، «مشعل» است. بنابراین، تلاش برای ردیابی نحوه استفاده از کلمه «مشعل» در عهد عتیق، نحوه استفاده از «مَثَل» در عهد جدید و نحوه استفاده از «پاروایما» در اینجا در یوحنا، کار جالبی است. بنابراین، ما این کلمه را داریم که برای اولین بار در اینجا و سپس دوباره در فصل ۱۶، آیات ۲۵ و ۲۹، چند بار استفاده شده است.

و فکر می‌کنم در دوم پطرس، به همین موضوع اشاره دارد، در فصل ۲، آیه ۲۲ نیز از همین کلمه استفاده می‌کند، فکر می‌کنم در اشاره به نکته‌ای تهوع‌آور در مورد بازگشت خوک‌ها به گل و بازگشت سگ‌ها به استفراغ خودشان. بابت این کنایه ناخوشایند عذرخواهی می‌کنم، اما این همان چیزی است که در دوم پطرس، فصل ۲ به آن اشاره شده است. بنابراین، پارویمیا فقط نوعی ضرب‌المثل است، روشی به یاد ماندنی برای بیان چیزی، چیزی که مختصر و مفید است، چیزی که شامل نوعی قیاس، مقایسه، ضرب‌المثل، روشی جذاب برای توصیف چیزی است، البته اصطلاحی متفاوت از کلمه مَثَل، اما اصطلاحی که فکر می‌کنم اساساً همان کار را انجام می‌دهد. بنابراین، این یک سوال بی‌اهمیت در مورد اینکه آیا این یک مَثَل است یا خیر است.

اینکه چه اصطلاحی برای آن استفاده کنیم واقعاً مهم نیست. چیزی که اینجا باید ببینیم این است که چگونه عیسی از مقایسه‌ای گسترده بین موقعیتی که با آن روبروست، با رهبران مذهبی و قوم اسرائیل، استفاده می‌کند و اینکه چگونه تمام این اصطلاحاتی که او استفاده می‌کند، با زندگی واقعی و آنچه در همان لحظه و همان لحظه اتفاق می‌افتد، شباهت‌هایی دارند. بنابراین، وقتی عیسی شروع به صحبت به این سبک کرد، بدیهی است که از زبانی استفاده نمی‌کرد که رهبران مذهبی مخاطبان و مردم قبلاً آن را نشنیده بودند.

او با عباراتی صحبت می‌کند که در عهد عتیق کاملاً رایج است تا رابطه خدا با اسرائیل و رابطه رهبران مذهبی با بقیه ملت را توصیف کند. ما با مزمور ۲۳ به خوبی آشنا هستیم، خداوند چوپان من است، اما خداوند قوم خود را از طریق رهبرانی که بر اسرائیل منصوب می‌کند، چوپانی می‌کند. ما در متنی نبوی مانند ارمیا فصل درباره مشکلات رهبران مذهبی از انواع مختلف و نحوه برخورد آنها با مردم می‌خوانیم ۲۳.

بنابراین، ارمیا در ارمیا ۲۳ آیه ۱ می‌گوید، وای بر چوپانانی که گوسفندان مرتع مرا نابود و پراکنده می‌کنند خداوند، خدای اسرائیل، به این چوپانان چنین می‌گوید: چون شما گله مرا پراکنده و رانده‌اید و به آنها توجه نکرده‌اید، من شما را به خاطر بدی که مرتکب شده‌اید، مجازات خواهم کرد. من بقیه گله‌ام را از تمام کشورهایی که آنها را به آنجا رانده‌ام، جمع خواهم کرد و آنها را به مرتعشان باز خواهم گرداند، جایی که بارور و زیاد خواهند شد.

من چوپانانی را بر آنها خواهم گماشت که از آنها مراقبت خواهند کرد و آنها دیگر نخواهند ترسید و وحشت نخواهند کرد و هیچ کس نیز گم نخواهد شد. بنابراین، ارمیا ۲۳، متون دیگری که می‌توانیم در مورد آنها صحبت کنیم، حزقیال ۳۴ نیز همین نوع مطالب را دارند، متنی که رهبری فعلی اسرائیل را به دلیل بی‌توجهی به مردم، به دلیل فسادشان، به دلیل اینکه آنها از نوع چوپانانی هستند که اساساً از گله برای منافع خود استفاده می‌کنند تا اینکه به شیوه‌ای شبانی از گله مراقبت کنند، سرزنش می‌کند. بنابراین، در عهد جدید

وقتی متونی مانند متی ۹، آیه ۳۶ داریم، جایی که عیسی به مردم توجه می‌کند و برای آنها دلسوزی می‌کند زیرا آنها مانند گوسفندان بدون چوپان هستند، احتمالاً دوباره به آن پیشینه فکر می‌کنیم.

و وقتی عیسی در متی ۹ و متونی مانند آن از گوسفندان گمشده خاندان اسرائیل صحبت می‌کند، احتمالاً در اصل اشاره‌ای به وضعیتی دارد که ارمیا و حزقیال و سایر متون کتاب مقدس از آن صحبت می‌کنند، جایی که گوسفندان واقعاً توسط کسانی که برای رسیدگی به آنها منصوب شده‌اند، مراقبت نمی‌شوند. بنابراین، ما این نوع چیزها را درست جلوی چشمانمان در فصل ۹ دیده‌ایم، جایی که این گوسفند نابینای بیچاره را داریم، و فریسیان بیشتر نگران استفاده از او به عنوان یک مهره در بحث خود با عیسی هستند تا اینکه مراقبت واقعی و شبانی برای هدایت روح او داشته باشند. و بنابراین، این موضوع دوباره در فصل ۱۰ مطرح می‌شود.

بنابراین، به نظر من پیشینه این موضوع بسیار رایج است، و همین موضوع در فصل ۱۵ نیز صادق است، جایی که عیسی از خود به عنوان تاک حقیقی صحبت می‌کند. دلیل اینکه او در آنجا از کلمه حقیقی استفاده می‌کند، دلیل اینکه او در اینجا از کلمه نیکو استفاده می‌کند، این است که او به طور نامحسوس خود را با رهبری فعلی مقایسه می‌کند، که نه خوب است و نه در نحوه هدایت قوم اسرائیل اصیل. بنابراین، وقتی نوع مقایسه‌ای را که در متن وجود دارد در نظر می‌گیریم، موارد مشخصی داریم که عیسی به روشنی توضیح می‌دهد، و موارد خاصی در اینجا وجود دارد که شاید بتوانیم آنها را حدس بزنیم و به تصویری که او استفاده می‌کند، پردازیم.

معمولاً در تمثیل‌ها این‌طور است، این‌طور نیست؟ ما افرادی داریم که به ما می‌آموزند تمثیل‌ها فقط یک نکته اصلی را بیان می‌کنند و فقط یک نکته مقایسه وجود دارد که شایسته آموزش یا موعظه است. افراد دیگری هم داریم که شاید با تمثیل‌ها شروع به کار می‌کنند و سعی می‌کنند هر چیزی را در تمثیل پیدا کنند که با واقعیتی که گوینده در مورد آن صحبت می‌کند، مطابقت داشته باشد. اما در واقعیت، احتمالاً باید به خودمان یادآوری کنیم که تمثیل‌ها داستان هستند و تمثیل‌ها داستان هستند و همه آنها یک کار را انجام می‌دهند.

کاری که آنها انجام می‌دهند، به زمینه و نیت گوینده بستگی دارد. مطمئناً برخی داستان‌های مجازی وجود دارند که فقط قصد بیان یک نکته، به اصطلاح نکته اخلاقی داستان، را دارند. ما چنین چیزهایی را در متی ۲۵ داریم که در آن عیسی از ندیمه‌هایی صحبت می‌کند که آماده نبودند.

و نکته‌ی اخلاقی آن داستان، همان‌طور که خودش می‌گوید، این است که شما باید هر لحظه آماده‌ی ملاقات با داماد باشید. شما واقعاً نمی‌دانید او چه زمانی می‌آید. هیچ راهی وجود ندارد که عیسی در آن زمینه‌ی خاص، بحث مفصلی در مورد ساقدوش‌ها انجام دهد که نشان‌دهنده‌ی این باشد، آنها‌ی که روغن کافی نیاوردند تا نشان‌دهنده‌ی آن باشند، روغن نشان‌دهنده‌ی این است، و بروند چند تا پایه برای آن بخرند.

نه چیزی شبیه به این، فقط یک ایده اصلی. داستان‌های دیگری که عیسی تعریف می‌کند، مانند تمثیل برزگر، تفسیر مفصلی دارند که در آن برزگر به عنوان کلام خدای پادشاهی توصیف می‌شود، بذری که کاشته می‌شود و چهار واکنش متفاوت به بذری که کاشته می‌شود. بنابراین، تفسیر نسبتاً مفصلی از آن وجود دارد.

بنابراین، در این موارد، می‌توانید یک ایده اصلی پیدا کنید، اما مطمئناً می‌توانید زیرایده‌های مربوطه را که از ایده‌های اصلی در سراسر مثل پشتیبانی می‌کنند، پیدا کنید. این تقریباً همان چیزی است که ما در اینجا در یوحنا ۱۰ داریم. فقط یک مقایسه اصلی انجام نشده است، بلکه چندین سطح مقایسه وجود دارد.

بنابراین، کاملاً واضح است که عیسی چوپان نیکو است. در آیه ۲ از چوپان نام برده شده است و در آیات ۱۴، عیسی خود را به عنوان آن چوپان توصیف می‌کند. بدیهی است که منظور از گوسفندان، اسرائیل ۱۱ و یا شاگردان عیسی در اسرائیل هستند.

نکته جالب در مورد استعاره‌هایی از این دست این است که چندین چیز در آن دخیل است. بنابراین، عیسی علاوه بر چوپان بودن، در گوسفندان نیز هست. از آغل گوسفندان صحبت می‌شود، یعنی آغلی که گوسفندان، به خصوص در شب، در آن نگهداری می‌شوند تا از دست غارتگران در امان باشند.

این در داستان زمینی ذکر شده است. در تفسیر عیسی هیچ اشاره‌ای به آن نشده است. عیسی این را بیان نمی‌کند.

خب، در این مورد چه می‌توانیم بگوییم؟ به نظر کاملاً واضح می‌رسد. او صرفاً می‌گوید که افرادی را تحت مراقبت خود جمع می‌کند، و شاید منظور او از آغل، یعنی افرادی که تحت هدایت و حمایت او هستند کلیسا باشد. دربان آنجاست که آغل را برای افرادی که لیاقت حضور در آنجا را دارند باز می‌کند و ظاهراً افراد دیگری را که لیاقت آن را ندارند، از ورود به آن باز می‌دارد.

این موضوع به روشنی در نحوه‌ی بیان عیسی از این مَثَل بیان نشده است. هیچ موجودیت متناظری برای آن وجود ندارد. بنابراین، می‌توانیم بگوییم که منظور دوازده نفر، منظور حواریون هستند.

آنها کسانی هستند که اسرائیل را هدایت می‌کنند، حداقل از نظر عیسی مسیح به آینده، و آنها را از افراد دروغینی که به دنبال گرفتن گوسفندان هستند، حفظ می‌کنند. عیسی از دزدان و راهزنان، و همچنین از غریبه‌ها، و همچنین از مزدوران، و همچنین از گرگ صحبت می‌کند. بنابراین، ما هم انسان‌ها و هم از قلمرو حیوانات، گرگ، افرادی را داریم که واقعاً مراقب گوسفندان نیستند.

دزدها و راهزنان سعی دارند گوسفندان را از صاحب اصلی‌شان بدزدند. غریبه شاید نسخه‌ی ظریفی از دزد و راهزن باشد، کسی که قرار است بیاید و سعی کند گوسفندان را از صاحبان اصلی‌شان دور کند. مزدور کسی است که فقط کار می‌کند و هیچ وفاداری واقعی به گوسفندان ندارد و به محض اینکه خطری، مثلاً از جانب گرگ، پیش می‌آید، فرار می‌کند و واقعاً به شیوه‌ای وفادارانه در کنار گوسفندان نمی‌ایستد.

بنابراین، آیا ما توضیح واقعی در مورد آنچه عیسی در مورد این موجودات تعلیم می‌دهد، داریم؟ خب، فکر می‌کنم کاملاً واضح است که او به همه کسانی که پیش از او آمده‌اند به عنوان دزد و راهزن اشاره می‌کند. به نظر من کلمه همه در اینجا تا حدودی گمراه‌کننده است. فکر نمی‌کنم عیسی قصد داشته باشد همه را در تاریخ اسرائیل یک کاسه کند، اما او مطمئناً می‌گوید که بسیاری از آنها واقعاً از آن نوع رهبران روحانی نبوده‌اند که اسرائیل به آنها نیاز دارد.

هیچ تطابق واقعی خاصی برای غریبه، مزدور و گرگ بیان نشده است. ما ممکن است موجوداتی مانند معلمان دروغین را که ادعا می‌کنند عیسی هستند، ارائه دهیم. ما می‌آموزیم که مسیحان دروغین وجود خواهند داشت، افرادی که ادعا می‌کنند پیروان واقعی عیسی هستند اما نیستند.

شاید منظور از مزدور، باز هم، اشاره به کسانی در رهبری اسرائیل باشد که صرفاً به خاطر آنچه می‌توانند از آن به دست آورند، یعنی جایگاه خودشان، در این کار هستند، نه برای رفاه گوسفندان. شما به سختی می‌توانید گرگ را شیطان در نظر بگیرید، نه؟ این نوع تفکر جواب می‌دهد. بنابراین شاید این هم مفید باشد.

انگار انجیل یوحنا خالی از اشاراتی به شیطان و تمایل او برای از بین بردن ایمان قوم خدا نیست. اشاره به گوسفندان دیگر در گله در آیه ۱۶ بسیار جالب است. نمی‌توانم جلوی خودم را بگیرم و فکر نکنم عیسی در مورد افرادی مانند زنی که در چاه سوخار در سامره ملاقات کرد، در یوحنا فصل ۴، و دیگران در کتاب صحبت می‌کرد که لزوماً ذاتاً یهودی نیستند، اما از نظر علاقه به خدای اسرائیل یهودی هستند.

و بنابراین، عیسی آرزو دارد گوسفندان دیگر را به گله بیاورد و می‌خواهد که آنها بخشی از همان گله باشند تا فقط یک گله و یک چوپان وجود داشته باشد. و این از بسیاری جهات به نظر من با الهیات کتاب مقدس در مورد قوم خدا در متون دیگر مطابقت دارد. بنابراین، این قیاس گسترده که مطرح شده است، بسیار واضح و بسیار جالب و بسیار آموزنده است، به نظر من اگر از این منظر به آن فکر کنیم.

وجود دارد که از گوسفند برای بیان نکات معنوی استفاده Agnes Day یک وب‌سایت بسیار متمایز به نام می‌کند و این وب‌سایت کارتون‌های جالبی دارد که به طور خاص انجیل یوحنا را به تصویر می‌کشد. بنابراین هرمنوتیک تقلید از تداعی معانی که عیسی در اینجا مطرح کرده است، توسط این کارتون مورد بررسی قرار می‌گیرد. این یک کارتون است، اما در اینجا به موضوع بسیار مهمی در مورد تفسیر این شکل می‌پردازد.

بنابراین، یک گوسفند به گوسفند دیگر می‌گوید، آیا عیسی چوپان است یا دروازه؟ بدیهی است که عیسی می‌گوید او هر دو در این ماجرا است. بنابراین، گوسفند فرهیخته‌تر اینجا، که ظاهراً این استاد حوزه علمیه است، می‌گوید چندین استعاره در اینجا وجود دارد که از آن نوع چیزهایی است که اساتید می‌گویند تا دانشجویان را از مسیر منحرف کنند تا واقعاً متوجه نشوند که استاد جواب را ندارد. شاید این همان چیزی است که اتفاق می‌افتد.

خب، گوسفند اول دوباره می‌گوید، خب گوسفندهای دیگر چه کسانی هستند؟ و آن شخص می‌گوید، خب آن توپی. و او می‌گوید، منم؟ خب، کمی بعد بحث بیشتری از آگنس دی خواهیم داشت که مربوط به یک نکته‌ی الهیاتی دیگر در مورد این تمثیل است، اما به نظر می‌رسد که این شخص تازه متوجه شده است که تمثیل مستقیماً در مورد او صحبت می‌کرد. بنابراین، برای بررسی بیشتر به سراغ برخی از جزئیات می‌رویم.

این گوسفندان دیگر چه کسانی هستند؟ ما فقط به طور خلاصه در مورد آن صحبت کردیم، اما ظاهراً این یک اشاره است. این اشاره‌ای است به اینکه خداوند به افرادی که از نظر قومی یهودی نیستند، علاقه دارد البته او به آنها علاقه دارد، اما شاید در الگوی ابراهیمی پیدایش فصل ۱۲، عیسی در تلاش است تا یهودیان را به این واقعیت آگاه کند که هدف اصلی خداوند منحصر به نسل ابراهیم نیست، بلکه استفاده از نسل ابراهیم به عنوان نماینده تبلیغی خود برای رسیدن به همه ملت‌های زمین و برکت دادن به آنهاست.

بنابراین، ما در فصل ۴ به زن سامری پرداختیم. همچنین در فصل ۱۱ و همچنین در فصل ۱۲ پیش از ما اشاراتی داشتیم که فکر می‌کنم در آنها اشاراتی به این علاقه خدا وجود خواهد داشت. این متن دیگری در یوحنا است که در آن عیسی از خود به عنوان نماینده پدر صحبت می‌کند. بنابراین، در متونی مانند فصل ۱۲ و آیه ۱۲ متوجه می‌شوید که مزدور چوپان نیست و صاحب گوسفندان نیست ۱۰.

پس وقتی گرگ را در حال آمدن می‌بیند، گوسفندان را رها می‌کند و فرار می‌کند. سپس گرگ به گله حمله می‌کند و آنها را پراکنده می‌سازد. آن مرد فرار می‌کند زیرا مزدور است و به گوسفندان اهمیتی نمی‌دهد.

بنابراین، عیسی در آیه ۱۵ به شیوه‌ای متضاد درباره خود صحبت می‌کند، همانطور که پدر مرا می‌شناسد و من پدر را می‌شناسم، من جان خود را در راه گوسفندان فدا می‌کنم. بنابراین، برخلاف مزدوری که هیچ مسئولیت واقعی در قبال کسی که او را استخدام کرده ندارد، عیسی به کسی که او را استخدام کرده، یعنی پدری که او را به جهان فرستاده است، وفادار است و هر کاری که لازم باشد برای مراقبت از جان

گوسفندان انجام خواهد داد. ما در نیمه دوم سخنرانی در عیدחנוکا بیشتر می‌بینیم که عیسی از خود به عنوان پسر پدر صحبت می‌کند.

پدری که گوسفندان را به من داد، آیه ۲۹، از همه بزرگتر است. هیچ کس نمی‌تواند آنها را از دست پدرم بگیرد. و نکته اینجاست که من و پدرم یکی هستیم.

من و پدرم یکی هستیم. بنابراین این دوباره تأیید می‌کند که عیسی رابطه‌ای منحصر به فرد با پدر دارد. اگر به فصل ۵ یوحنا برگردیم، اولین مشاجره‌ای که عیسی با رهبران مذهبی در اورشلیم داشت، همانطور که شاید به یاد داشته باشید، بر سر این بود که عیسی می‌گفت، پدرم تا الان کار می‌کند و من هم کار می‌کنم.

و بنابراین، رابطه صمیمی، نزدیک و منحصر به فرد عیسی و پدر در آنجا یک مشکل بود، و هنوز هم در اینجا یک مشکل است. نکته جالب دیگر الهیاتی این متن، نحوه صحبت عیسی در مورد امنیت گوسفندان است. ما در مسیحیت بحث‌های الهیاتی زیادی در مورد این موضوع داریم.

ما از آموزه‌هایی مانند استقامت مقدسین و امنیت ابدی و چیزهایی از این قبیل صحبت می‌کنیم. فکر می‌کنم توجه به این نکته مهم است که در این متن، عیسی نه تنها می‌گوید هیچ کس نمی‌تواند گوسفندان را از دست پدر بگیرد، که کالونیست‌ها را از آموزه امنیت ابدی خود راضی نگه می‌دارد، بلکه عیسی همچنین از لزوم پیروی گوسفندان از صدای استاد صحبت می‌کند. در واقع، عیسی می‌گوید که گوسفندان از غریبه پیروی نمی‌کنند.

آنها صدای استاد را می‌شناسند و به آن صدا، هیچ صدای دیگری، گوش نمی‌دهند. به نظر من، این موضوع، آرمینیوسی‌ها را نیز راضی نگه می‌دارد، اینکه شما امنیت ندارید مگر اینکه پشتکار داشته باشید. بنابراین تصاویر استفاده شده در این فصل به اندازه کافی برای تسلی و رنجاندن هر دو طرف این بحث در الهیات عامه‌پسند مفید است.

گوسفندان در واقع در دست پدر هستند و هیچ کس نمی‌تواند آنها را از آنها بگیرد، اما گوسفندان آگاهانه خود را با پشتکار خود در ایمان، با پیروی از شبان گله، به دست پدر می‌سپارند. در پایان، بیشتر در این مورد صحبت خواهیم کرد، اما ابتدا باید چند نکته دیگر را مورد بحث قرار دهیم. بنابراین، در اینجا متن دیگری از یوحنا وجود دارد که از عیسی به عنوان موجودی الهی و والا سخن می‌گوید.

در واقع، در این متن، پس از اینکه عیسی می‌گوید، من پدر هستم، یکی هستیم، آنها می‌گویند، ما تو را نه به خاطر انجام کارهای خوب، بلکه به خاطر کفرگویی سنگسار می‌کنیم، زیرا تو که صرفاً یک انسان هستی ادعای خدایی می‌کنی. بنابراین، آنها بحث عیسی در مورد وحدت او با پدر و نحوه همکاری او و پدر برای حفظ گوسفندان را درک کرده‌اند. آنها این اصل را درک کرده‌اند که نماینده کسی بودن به معنای داشتن همان اقتدار آن شخص است.

بنابراین، آنها عملاً می‌گویند که تو می‌گویی خدا هستی و آنها این را دوست نداشتند و آماده بودند که یک بار دیگر او را سنگسار کنند، نه برای اولین بار. این منجر به بحث جالب مزمور ۸۲ می‌شود و ما در اینجا در مورد آن صحبت خواهیم کرد. بنابراین، این فصل چندین اشاره به عهد عتیق دارد.

ما قبلاً به این واقعیت اشاره کرده‌ایم که تصویر گله را دارد. متونی مانند ارمیا ۲۳، حزقیال ۳۴. اگر بخواهیم کمی دقیق‌تر شویم، در فصل ۱۰ و آیه ۱۶ جایی که عیسی گفت، من گوسفندان دیگری دارم که از این گوسفند نیستند و باید آنها را نیز بیاورم، شاید اشاره خاصی به متون حزقیال ۳۴ و حزقیال ۳۷ داشته باشد.

ما در آیه ۲۲: ۱۰ به حنوکا اشاره داریم، که البته در کتاب مقدس عبری به این شکل یافت نمی‌شود، بلکه در مطالب آپوکریفای در مکابیان اول و دوم آمده است. و در تلمود، تلمود بابلی، بحث‌هایی در این مورد وجود دارد، در اینجا، در رساله شبات ۲۱ب، به همین معنی است. اگر مایل به بررسی آن هستید B دارد، و حرف می‌توانید تمام این اطلاعات را اکنون به صورت آنلاین پیدا کنید.

شگفت‌انگیز است که چه تعداد مطلب برای خواندن وجود دارد. اما احتمالاً جالب‌ترین و از برخی جهات گیج‌کننده‌ترین کاربرد کتاب مقدس، تنخ، تورات، نویم و کتویم در این فصل، نحوه‌ی اشاره‌ی عیسی به «مزمور ۸۲ در فصل ۱۰ آیه ۳۴ است. وقتی عیسی قرار است به خاطر گفتن «من و پدرم یکی هستیم سنگسار شود، آنها ادعا می‌کنند که او کفر می‌گوید.

بنابراین، او در آیه ۳۴ به آنها پاسخ می‌دهد، آیا در شریعت شما نوشته نشده است که من گفتم شما خدایان هستید؟ بنابراین، این ما را به مزمور ۸۲ برمی‌گرداند، که مزمور کوتاهی است و فراز و نشیب‌های زیادی در آن وجود دارد. مزمور با توصیف خدا به عنوان رئیس یک مجمع بزرگ و مجری حکم در میان خدایان، در میان الوهیم، آغاز می‌شود.

شاید این اشاره به موجودات فرشته‌ای باشد که در پیشگاه خداوند در عرش آسمانی گرد هم می‌آیند و خداوند اعمال آنها را قضاوت می‌کند و وظایف مربوطه را به آنها محول می‌کند. سپس مزمور کمی از این موضوع فاصله می‌گیرد، ظاهراً مگر اینکه این خدایانی که در اینجا از آنها صحبت می‌شود، شاید انسان باشند، شاید افرادی به عنوان مقامات مدنی یا شاید حتی داوران بر اسرائیل. و اگر چنین باشد، پس قضاوت در میان خدایان، قضاوت در میان شورای آسمانی نیست، بلکه در میان رهبران زمینی است که خداوند به آنها اختیار حکومت بر اسرائیل را داده است.

بنابراین، بی‌عدالتی که توسط این به اصطلاح خدایان، این داوران اسرائیل، تحت این تفسیر انجام می‌شود، در اینجا مورد انتقاد شدید قرار می‌گیرد. تا کی از ظالمان دفاع خواهید کرد و از شیران جانبداری خواهید کرد؟ در عوض، در آیه سوم، از ضعیفان و یتیمان دفاع کنید، از فقرا و ستم‌دیدگان حمایت کنید و ضعیفان و نیازمندان را نجات دهید. در این صورت، آیه پنجم از این موجودات فرشته یا رهبران انسانی، داوران انسانی، به عنوان موجوداتی بی‌فایده صحبت خواهد کرد.

این خدایان هیچ نمی‌دانند. آنها هیچ نمی‌فهمند. آنها در تاریکی راه می‌روند.

تمام پایه‌های زمین به لرزه درآمده است. پس آیه ششم همان متنی است که عیسی به طور خاص در یوحنا ۱۰. ۳۴ به آن اشاره می‌کند. من گفتم، شما خدایان هستید، شما همگی پسران خدای متعال هستید، ۱۰.

اما این چیز خوبی نیست. مشکل این است که به دلیل رفتار آنها و عدم وفاداریشان به خدا، آیه هفتم، شما مانند انسان‌های فانی خواهید مرد. شما مانند هر حاکم دیگری سقوط خواهید کرد.

مزمور با این گفته به پایان می‌رسد: ای خدا، برخیز و زمین را داوری کن، زیرا همه ملت‌ها میراث تو هستند. در اینجا یک موضوع کیهانی نسبتاً گسترده مطرح است که صرفاً به اسرائیل مربوط نمی‌شود، بلکه نگرانی در مورد عدالت خدا نه فقط برای اسرائیل، بلکه برای همه ملت‌ها است. بنابراین، در مجموع، مزمور ۸۲ در مورد عدم وفاداری به خدا، چه در مورد فرشتگان و چه به احتمال زیاد در مورد انسان‌هایی که او اقتدار الهی خود را به آنها واگذار کرده است، صحبت می‌کند.

از آنجا که آنها اقتدار الهی دارند، مانند خدا عمل می کنند و به نوعی می توان آنها را خدایان کوچک نامید، بنابراین، اشاره عیسی به این مزمور که مشکلات تفسیری خاص خود را دارد، نکته بسیار جالبی است. گفتم، مگر در شریعت شما نوشته نشده است که شما خدایان هستید؟ ۱۰۳۵، استدلال عیسی اینجاست

اگر او آنها را خدایانی می دانست که کلام خدا به آنها نازل شده بود. بنابراین، این یک نوع قیاس اگر-آنگاه است. اگر او آنها را خدایانی می دانست که کلام خدا به آنها نازل شده بود

به عبارت دیگر، موجوداتی که در مزمور ۸۲ از آنها صحبت شده است، خدا نامیده می شوند زیرا به آنها وظیفه داده شده است، به آنها قدرت کلام خدا به عنوان نوعی واسطه برای اجرا، وادار کردن مردم به اطاعت از کلام خدا، و استفاده از کلام خدا برای تحقق عدالت در جهان تفویض شده است. اگر او آنها را خدایانی نامید که کلام خدا به آنها نازل شده است، مقدمه کبری. مقدمه صغری، کتاب مقدس را نمی توان نقض کرد

کتاب مقدس معتبر است. هیچ متنی در کتاب مقدس وجود ندارد که بتوانید آن را باطل و بی اعتبار کنید. عیسی گفت، این چیزی است که کتاب مقدس می گوید، و ما مرجعیت کتاب مقدس را می پذیریم

خب، نتیجه این شد. در مورد کسی که پدر او را به عنوان فرزند خود جدا کرد و به جهان فرستاد چطور؟ این چیزی است که به طور کلاسیک در منطق صوری، استدلال از کوچک به بزرگ نامیده می شود. آنها برای برخی از این موارد از زبان لاتین استفاده می کنند

بنابراین، این یک بحث خواهد بود که ادبیات خاخام ها پر از این نوع مطالب است. و این موضوع در جاهای دیگر عهد جدید نیز یافت می شود، به ویژه در نوشته های پولس. می توانید از کوچک تر به بزرگ تر یا از بزرگ تر به کوچک تر بحث کنید و با قیاس بین این دو، نکته ای را بیان کنید

خاخام ها آن را سبک و سنگین می نامیدند. بنابراین، عیسی از، به گمانم می توانیم بگوییم از یک موقعیت سبک، بحث می کند. اگر او آنها را خدایان، کسانی که کلام خدا نازل شده است، می نامید، پس به موقعیت حتی بزرگتری هم می رسید، چطور می توانید از من عصبانی باشید؟ چطور می توانید عصبانی باشید؟ چرا این سنگ ها در دست شما هستند؟ تنها چیزی که من گفتم این بود که من پسر پدر هستم

پس من کسی هستم که پدر مرا تقدیس کرد و به جهان آورد. چرا مرا به کفرگویی متهم می کنید؟ زیرا من گفتم پسر خدا هستم. من نگفتم خدا، الوهیم هستم

من گفتم من پسر خدا هستم. بنابراین، او می گوید شما هیچ مشکلی با متن کتاب مقدس ندارید که در آن انسان ها از اقتدار الهی برخوردارند و خدا می گوید که به نوعی، آنها به عنوان خدا عمل می کنند. آنها از نظر عملکردی خدا هستند

آنها خدایان هستند. شما با این مشکلی ندارید. شما با این مشکل دارید که من می گویم پسر خدا هستم و کارهای خدا را انجام می دهم

بنابراین، او اساساً می گوید، اگر من این کارها را انجام می دهم، حتی اگر به من ایمان نیاورید، که من پسر پدر هستم، به اعمال ایمان بیاورید، تا بدانید و درک کنید که پدر در من است و من در پدر هستم. البته جدیدترین کاری که او به آن اشاره می کند، کار شفای مرد نابینا در فصل نهم است. اما همانطور که نکته اخلاقی داستان در فصل نهم به طرز طعنه آمیزی بیان می کند، فریسیانی که فکر می کنند بینا هستند، کسانی

هستند که کلام خدا به زبان مزمور ۸۲ به آنها نازل شده است، همان افرادی که مقاماتی هستند که قرار است واسطه اقتدار خدا به زمین باشند و عدالت و درستکاری را محقق کنند.

اینها افرادی هستند که با عیسی به شیوه‌ای بسیار ناعادلانه و غیرعادلانه رفتار می‌کنند. بنابراین، آنها دوباره سعی کردند او را بگیرند، با حفظ شخصیت، ما با این موضوع در پایان فصل هشتم و نهم و اینجا دوباره در پایان فصل دهم آشنا هستیم. در اینجا به یک موضوع می‌پردازیم.

دوباره، آنها سعی کردند او را بگیرند، اما او از چنگ آنها گریخت. سپس عیسی به آن سوی اردن، به جایی که یحیی در حال تعمید دادن بود، بازگشت. بنابراین، با پایان یافتن این فصل، عیسی کمی استراحت می‌کند، کمی از اورشلیم، از تمام گرما و تنشی که در آنجا ایجاد می‌شود، دور می‌شود.

و او مدتی را در آن سوی رود اردن می‌گذراند. بنابراین، فصل دهم انجیل یوحنا اساساً همان نوع فصلی است که از فصل هفتم به آن پرداخته‌ایم. بنابراین، اگر به همه این ویدیوها، یکی پس از دیگری، گوش می‌دهید، با حجم زیادی از مشکلات، تنش‌ها و درگیری‌هایی که عیسی با رهبر مذهبی داشته است، مواجه شده‌اید.

اگر به همه این چیزها با هم گوش داده‌اید، تنبیه شده‌اید، زیرا این مطالب بسیار غم‌انگیز است، زیرا عیسی به شهر خدا، اورشلیم، می‌آید و سعی می‌کند مسیح خدا باشد و توسط رهبران قوم خدا پذیرفته نمی‌شود. بنابراین شاید مزمور ۸۲ نتیجه‌گیری مناسبی برای نحوه برخورد با عیسی باشد. بی‌عدالتی که در اصل در مزمور اعمال شده است، شاید در اینجا توسط همان نوع رهبران در یوحنا ۷-۱۰ در مورد عیسی اعمال می‌شود.

در پایان، برای کمی تأمل الهیاتی به آگنس دئی برمی‌گردیم. بنابراین، گفتگوی گوسفندان‌ای در اینجا اتفاق می‌افتد. آیا می‌دانید بهترین بخش داشتن یک چوپان خوب چیست؟ گوسفند استادگونه در اینجا گیر می‌کند و می‌گوید، نمی‌توانم تصور کنم.

و گوسفند به ظاهر غیر روحانی، با بصیرتی عظیم تسخیر شده و می‌گوید، گوسفند بودن. بنابراین، بزرگترین چیز در مورد داشتن عیسی به عنوان پروردگار و ناجی ما چیست؟ خب، نجات یافتن و تحت فرمانروایی او بودن. کارتون دیگری از همان سایت، فکر می‌کنم گوسفند سمت چپ اینجا با پروفیسور سمت راست بازی می‌کند.

هی، من متوجه شدم که دیگه لازم نیست برم کلیسا. ها؟ مهم نیست چیکار کنم. عیسی گفت هیچکس نمیتونه منو از دست اون بگیره.

استاد برای این یکی آماده است. او می‌گوید، بله، اما به نظر من انگار داری آماده می‌شوی که پیری بیرون خب، ما امروز یک مسیحی انجیلی داریم، کسانی که تأکید می‌کنند داشتن عیسی به عنوان چوپان خوب. چقدر شگفت‌انگیز است.

ما این را امنیت می‌نامیم. ما همچنین امروزه در مسیحیت انجیلی افرادی داریم که زیاد در مورد ضرورت اطمینان از همراهی با عیسی صحبت می‌کنند. بنابراین، فکر می‌کنم اینجا نوعی شوخی و مزاح با کالوینیست‌ها و ارمنی‌ها داریم، هم با کسانی که می‌خواهند بر مسئولیت انسانی تأکید کنند و هم با کسانی که می‌خواهند بر حاکمیت الهی و امنیت مؤمنانی که در مسیح به سوی خدا آمده‌اند تأکید کنند.

البته، احتمالاً متوجه منظورم شده‌اید که بخش بهتر حکمت در تمام این ماجرا، این است که بفهمیم این قطعاً یک نعمت شگفت‌انگیز، یک اثر فیض شگفت‌انگیز است. و فیضی که شگفت‌انگیز نباشد، واقعاً فیض

نیست، اینطور نیست؟ به لطف فیض شگفت‌انگیز خدا، عیسی چوپان خوب ما شده است. و ما به عنوان گوسفندانی که به گله او راه یافته‌ایم، چرا باید بخواهیم بیرون ببریم؟ چرا نمی‌خواهیم، همانطور که یوحنا بارها و بارها می‌گوید، از آن نوع گوسفندانی باشیم که صدای او را می‌شنوند و به صدای غریبه گوش ۱۰ نمی‌دهند و از آن نوع گوسفندانی باشیم که خیلی خیلی نزدیک از او پیروی می‌کنند؟

این دکتر دیوید ترنر در حال تدریس در مورد انجیل یوحنا است. این جلسه ۱۲، دوران پر تنش در اورشلیم، چوپان خوب، یوحنا ۱۰: ۱-۴۲ است.